



رویکرد صبری انوشه

رویکرد معامله‌ای ترامپ برای تصفیه مسئله فلسطین

این روزها طرح «معامله قرن» کلیدواژه‌ای رایج در قضایایی است که به فلسطین اشغالی

و منطقه غرب آسیا پیوند دارد. ترامپ در کارزار انتخاباتی خود در ۲۰۱۶ وعده‌هایی داد که برای حل قضیه فلسطین و روند صلح خاورمیانه طرح عملیاتی را ارائه خواهد داد و سفارت امریکا را به قدس شریف منتقل خواهد کرد. چیزی نگذشت که وی در حمایت از رژیم بنیامین نتانیاهو از هیچ تلاپویی دریغ نکرد و به وعده‌های خود به این رژیم جامه عمل پوشاند.

ترامپ سیاستمدار تاجرپیشه از زمانی که وارد کاخ سفید شده است، در نامگذاری طرح‌ها و سناریوهای عملیاتی خود واژگان «اقتصادی» و سوتیترهای «مسمازی» به کار می‌برد. در همین رهگذر، طرح صلح خاورمیانه‌ای خود را «معامله قرن» نامید و «جرد کوشنر» مشاور و داماد یهودی خود را به عنوان پیشکار و بازارباز طرح در عملیاتی کردن این طرح برگزید.

تصفیه قضیه فلسطین در گذر تاریخی رهبری «تئودور هرتسل» در مورخ ۱۲۹گوست ۱۸۹۷ در شهر «سازل» سوئیس جنبش صهیونیستی با حمایت لیبرال‌های غربی، نخستین گام را برای حذف نام «فلسطین» از جغرافیای تاریخی و تمدنی منطقه غرب آسیا برداشتند و نام جعلی «اسرائیل» را جای آن به سرزمین مقدس اطلاق کردند. اعلان تشکیل کبان صهیونیستی در ۱۵ می ۱۹۴۸ و صدور قطعنامه ۱۸۱ (به موجب آن فلسطین به دو بخش عربی و یهودی تقسیم گردید) و آوازی بیش از ۸۰۰هزار فلسطینی، گام‌های اساسی در روند تصفیه قضیه فلسطین بوده است. غربی‌ها در راستای حمایت از صهیونیست‌ها و ناپدید گرفتن حقوق فلسطینی‌ها از اکتبر ۱۹۴۹ تاکنون ۵۵ طرح و پروژه ارائه داده و مزروره آن را طرح‌های «صلح خاورمیانه» نامیده‌اند که در این راستا خاندان سعودی نیز سهمی در طرح‌های سازشکارانه داشته و طرح‌های ملک فهد(در نشست فاس ۹۸) و ملک عبدالله (در نشست بیروت در ۲۰۰۲) شاخص‌ترین آنها بوده است. اما در مقابل این همه طرح سازش، رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه خود را ملزم و پایبند به توافقات و تعهدات امضا شده، ندانسته و تاکنون به هیچ‌کدام از توافقات امضا شده با فلسطینی‌ها مانند توافقات «هدارید»، «وسلو»

و «کمپ دیوید دو» وفا نکرده است. **تصفیه قضیه محوری جهان اسلام** ترامپ از سال ۲۰۱۷ برای بازآرایی و آرمودن واکنش‌ها در آرای طرح معامله قرن از تاکتیک «عمل سنجشی» استفاده کرده که ایجاد سردرگمی و آشوب در منطقه غرب آسیا یکی از اهداف او بوده است. در این راستا و قبل از اینکه دولت ترامپ از طرح «معامله قرن» رونمایی کند در رسانه‌ها و محافل سیاسی، به ویژه نشریات صهیونیستی بندهایی از این طرح درز کرده که با واکنش‌های گوناگونی روبه‌رو بوده است.

چکیده «معامله ترامپ» برای تصفیه قضیه فلسطین چنین است: **فلسطین جدید** بر اساس توافق سه جانبه میان «اسرائیل»، «سازمان آزادیبخش فلسطین» و «حماس» در اراضی کرانه‌باختری و نوار غزه بدون شهرک‌های یهودی ایجاد می‌شود. این کبان بدون ارتش و سلاح خواهد بود و ارتش اسرائیل در صورت بروز هر گونه خطری مدافع این کبان خواهد بود. برای ارتباط زمینی میان کرانه غربی و نوار غزه، پل معلقی در ارتفاع ۳۰ متری از زمین ساخته می‌شود.

۲- مجموعه شهرک‌سازی مانند گذشته به دست اسرائیل باقی خواهد ماند و شهرک‌های تولیداتفته به آنها ملحق خواهند شد. غور اردن (منطقه‌ای میان کرانه‌باختری و روداردن) مانند گذشته در دست اسرائیل باقی خواهد ماند. ۳- قدس تقسیم نخواهد شد و میان اسرائیل و «فلسطین جدید» مشترک خواهد بود و جمعیت فلسطینی آن به‌اهالی فلسطین جدید ملحق می‌شوند.

۴- مصر، اراضی جدیدی با هدف ساخت فرودگاه، کارخانه، تبادل تجاری و زارعی به «فلسطین جدید» اجاره می‌دهد و فلسطینی‌ها اجازه سکونت در این مناطق را ندارند. ۵- امریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای عربی تولیدکننده نفت در خلیج فارس، حامیان مالی این طرح خواهند بود. برای این هدف مبلغ ۳۰ میلیارد دلار در عرض پنج سال برای فلسطین جدید در نظر گرفته است. امریکا ۲۰ درصد، اتحادیه اروپا ۱۰ درصد و کشورهای عربی خلیج فارس ۷۰ درصد مبلغ فوق را تأمین خواهند کرد.

پیش تر روزنامه لبنانی «الاخبار» بخش‌هایی

چهارده

سروسین‌الملل۸۸۴۹۸۴۴

موج فساد رهبران (ولمرت و نتانیاهو از نمونه‌های اخیر) و تشدید گسل‌ها در بنیه و مؤلفه‌های انسجام و وحدت جامعه یهودی، نمودها و نشانه‌هایی از آینده شکننده و ناپایدار این کبان است. این رژیم هم‌اکنون با مجموعه‌ای از تهدیدها و چالش‌های درونی و بیرونی روبه‌رو است که برجسته‌ترین آنها عبارتند از:

۱- فقدان نسل اول از رهبران که شاخص‌های کاربزماتیکسی و آرمانخواهی داشتند. پس از درگذشت مناحیم بگین، اسحاق رابین و شیمون پرز، نسل دومی بر این کبان حاکمیت یافته که در منافع شخصی و بانسدی خود غوطه‌ور بوده و حفظ آرمان‌های صهیونیستی در درجه دو و سه قرار گرفته است. ۲- تشدید گسست‌ها در بنیه جامعه یهودی به دلایلی همچون اختلاف قرائت‌ها و عدم توافق بر مرجعیت تشریعی و مذهبی یهودی. ۳- کاهش باورها و فقدان ایمان کامل به دولت یهودی و دفاع از آن در میان افشار جوان. ۴- هراس از افزایش جمعیتی فلسطینی‌ها که همراه با تشدید مهاجرت معکوس یهودیان از فلسطین اشغالی به خارج بوده و نگرانی‌ها را از اقتدار هویت عربی و اسلامی در درون جامعه اسرائیلی شدت بخشیده است.

۵- دخالت روزافزون ارتش در سیاست و اقتصاد، افزایش نرخ فرار جوانان از نظام وظیفه و کاهش آموزش‌های نیروهای ذخیره شمالی از خلل در بنیه نظامی این رژیم است، اما به برجسته‌ترین نقطه ضعف ارتش صهیونیستی، شکست افسانه «ارتش شکست‌ناپذیر» در جنگ‌های لبنان و غزه و هودا شدن ضعف قدرت بازدارندگی این رژیم در قبال نسل جدید پاپان دادن به منازعه ۷۰ساله اعراب صهیونیستی در اردن، مصر و حکومت خودگردان فلسطین در مقابل موافقت با این معامله رشوه‌ای بیش از ۱۰۰میلیارد دلار از ریاض دریافت می‌کنند.

اهداف نهان و هویدیای طرح

بر سر قضیه فلسطین و عادی کردن موجودیت کبان اسرائیل در منطقه غرب آسیا شاید برجسته‌ترین هدف آشکار امریکایی‌ها در این

معامله باشد، اما استراتژیست‌های صهیونیستی، با اولویت‌های راهبردی پنهانی به دنبال طرح چنین عملیاتی هستند.

در ظاهر و در محافل رسانه‌ای و تبلیغاتی «کوشنر» داماد دونالد ترامپ، «جیسنو گرین‌بلت» فرستاده ویژه امریکا در امور خاورمیانه و «یوید فریدمن» سفیر امریکا در اسرائیل سه معمار اصلی این طرح هستند، اما حقیقت امر این نیست، بلکه استراتژیست‌ها و ژنرال‌های کهنه کار صهیونیستی، مهندسان اصلی این معامله‌اند و ژنرال «گیورا ایلاند» یکی از طراحان اصلی این معامله است که در کارنامه حرفه‌ای خود سمت‌های حساس امنیتی - نظامی مانند فرماندهی عملیات انتیه ۱۹۷۶ برای نجات گروگان‌های اسرائیلی، فرماندهی ارشد جنگ اکتبر ۱۹۷۳ و جنگ لبنان ۱۹۸۲، فرماندهی نیروی زمینی، دبیر اسبق شورای امنیت اسرائیل، ریاست چندین مرکز آموزش افسران و مدیریت یگان برنامه‌ریزی

ارتش اسرائیل را برعهده داشته است. این طرح مانند تمامی طرح‌های گذشته که از سوی غربی‌ها مطرح شده است، یک اولویت و یک هدف دارد که پیوند ار گانیکی و ژرفی با مسئله «موجودیت» و «بقا» این رژیم است. اغلب پژوهشگران راهبردی اسرائیل که هر ساله در همایش «هرتسلیا» بررسی امنیت و میزان مصونیت ملی اسرائیل) شرکت می‌کنند، بر این حقیقت اذعان دارند که آینده این رژیم همواره با مجموعه‌ای از عناصر نامنی در درون و کانون‌های تهدیدها و چالش‌های امنیتی از بیرون روبه‌رو است.

هدف اصلی از مطرح شدن «معامله قرن» در این برهه حساس تاریخی، فراهم آوردن راهکارهای عملیاتی برای پاس داشتن موجودیت و بقای اسرائیل است، زیرا عیان شدن اختلاف‌های درونی جامعه نخبگان صهیونیست، بالاگرفتن

دورنما سیدرحیم تعتمی

ایکاروس نام شخصیت افسانه‌ای در اسطوره‌های یونانی است که از موم و پر برای خود بال‌هایی ساخت و به پرواز درآمد اما به نصیحت پدرش عمل نکرد و بازندیک شدن به خورشید، بال‌هایش سوخت و به دریا سقوط کرد. حالا نشریه امریکایی نشنال اینترست از یک ایکاروس امریکایی نام می‌برد. او کسی نیست جز جان بولتون، مشاور امنیت ملی امریکا که به قول این نشریه همانند ایکاروس «بیش از حد به خورشید نزدیک شده است.» به این ترتیب، نشنال اینترست با تکیه بر منابع خود سقوط قریب‌الوقوع ایکاروس امریکایی را پیش‌بینی می‌کند، در حالی که برخی دیگر او را همبازی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا در بازی معروف دوطرفه به نام پلیس خوب و بد می‌دانند. در هر صورت، یک اتفاق نظر عمومی وجود دارد که یکی از چهره‌های اصلی در پس ماجراجویی‌های اخیر امریکا در خلیج فارس همین ایکاروس امریکایی است که بعد از ناکامی در پرونده‌های کره‌شمالی و ونزولا حالا رو به خلیج فارس و ایران آورده است تا شاید اینجا چیزی نصیص شود اما احتمال دارد که نه تنها چیزی به دست نیآورد، بلکه همین کار باعث تحقق پیش‌بینی نشنال اینترست شود.

فراری از جنگ

نکته جالب توجه در زندگی بولتون این است که او با وجود تمام تأکیدی که بر جنگ دارد، سال‌ها قبل حیل‌های به کار برد تا از جنگ ویتنام فرار کند. دولت امریکا در سال ۶۹ به جای اعزام نیروهای ذخیره به جنگ ویتنام با برنامه لاتاری جوانان متولد بین سال‌های ۴۴ تا ۵۰ را به جنگ اعزام می‌کرد و شماره لاتاری بولتون هم ۱۸۵ بود اما او قبل از آنکه قرعه اعزام به نامش

ببفتد، با حیل‌های از رفتن به جنگ فرار کرد. پیوستن به نیروهای گارد ملی



برونده سوم

نقش بولتون از همان ابتدای اعزام ناو هواییامبر، رزم‌ناو و بمب‌افکن‌های بی‌۵۱ امریکابه خلیج فارس مشهود بود چنانکه او بیانیه‌ای منتشر کرد و مدعی شد امریکا برای پاسخ به تهدیدها از سوی ایران این نیروها را به خلیج فارس فرستاده است. حالا معلوم شده که نقشه بولتون بیشتر از فرستادن این تعداد از نیروهای امریکایی است و گزارش نیویورک تایمز در هفته گذشته پرده از برنامه بولتون در این اعزام ۱۲۰ هزار سرباز امریکایی به

خاورمیانه برداشت. بنا بر این گزارش، بولتون دستور به روزسانی طرح‌های نظامی را به پنتاگون داده و در جلسه‌ای با حضور پاترک شاناهان کفیل وزارت دفاع، جوزف دانفورد رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا، جینا هاسبن رئیس سازمان سیا و دان کوتس مدیر اداره اطلاعات ملی امریکا این طرح‌ها را بررسی کرده‌اند که بخشی از آن اعزام ۱۲۰ هزار سرباز است. نیویورک تایمز در گزارش خود تأکید کرده بود که ترامپ احتمالاً از این طرح اطلاعی ندارد و ترامپ هم بعد در مقابل خبرنگاران اصل وجود چنین طرحی را تکذیب کرده و با متهم کردن نیویورک تایمز به دروغ‌گویی به نوعی اصل قضیه را به گردن این روزنامه انداخته است.

هر چند ترامپ با این فراقتنی خواسته است اصل موضوع را منکر شود، اما همین هم اختلاف نظر او با بولتون را بر جسته کرده است تا حدی که رسانه‌ها همین نکته را از او پرسیده‌اند. ترامپ موضوع را تا حدی تأیید کرده اما تلاش داشته است حمایت خود از بولتون هم بیان کرده باشد. این نوع واکنش دوگانه از سوی ترامپ باعث نامن زدن به گمانه‌زنی‌ها شده است به نحوی که نشنال اینترست با استناد به یک مقام ارشد دولتی سابق) خبر از بر کناری بولتون می‌دهد و اینکه «ترامپ به دنبال اخراج او است» و شبکه خبری سی‌ان‌ان هم از نقش پلیس خوب برای ترامپ و پلیس بد برای بولتون می‌گوید. ادعای ترامپ برای آمادگی تماس تلفنی با رهبران ایران و حتی فرستادن شماره تلفنی برای این کار رسانه‌های مانند سی‌ان‌ان را به این فکر انداخته که او در مقابل بولتون نقش پلیس خوب را بازی می‌کند تا اینکه طرف ایرانی برای پرهیز از نقش پلیس بد بولتون حاضر به برقراری تماس با او شود. حتی اگر این تحلیل وجهی از واقعیت داشته باشد باز معلوم است که ترامپ سعی می‌کند از اختلاف نظر خود با بولتون برای برقراری تماس استفاده کند و به عبارت دیگر، بولتون در صحنه شطرنج ترامپ نقش سرباز پیاده‌ای را دارد که برای قربانی شدن به سمت جلو فرستاده شده است. بعد از به بار آوردن شکست‌های پیاپی بولتون برای ترامپ در کره‌شمالی و ونزولا حالا این نقش به او محول شده است اینکه هر چه می‌خواهد اوج بگیرد اما سابقه ترامپ از بر کناری قریب به ۵۰ نفر در تیمش در نهایت همان سرنوشت ایکاروس را نصیب بولتون خواهد کرد.

آیا پر و بال ایکاروس امریکایی در حال سوختن است؟

جنگ طلب فراری از جنگ!

هسته‌ای این کشور گفته بود. این رویکرد بولتون باعث شده بود تا معامله ترامپ با کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی در همان ابتدای امر به شدت تهدید بشود؛ چرا که بولتون در این معامله حرف از الگوی لیبی زده بود و این حرف، رهبران کره‌شمالی را به یاد سرنوشت معمر قذافی و ارتباط بین خلع سلاح هسته‌ای و سرنگونی او انداخته بود. رهبران کره‌شمالی به همین دلیل تهدید به قطع مذاکرات کردند و گفته می‌شود که ترامپ هم به بولتون تذکر داده بود که مواظب حرف‌های خود باشد. هفته‌نامه نیویوریک در ماه مارس تحلیلی از شکست دور دوم دیدار ترامپ با کیم جونگ اون داشت و در این تحلیل، بولتون را مقرر این شکست دانست که پیش‌شرط‌هایی جلو کره شمالی گذاشت و از این کشور خواست تا «علاوه بر دادن تضمینی برای کشف سلاح‌های اتمی اش، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی خود را نیز فاش کند.» کیم جونگ اون نتوانست زیر بار این زیاده‌خواهی برود و دیدار او با ترامپ هم بدون اعلام بیانیه و نتیجه‌ای به پایان رسید.

زیاده‌خواهی بولتون در ونزولا هم در سهرایی برای ترامپ به وجود آورده است. ترامپ همزمان با ادعای خوان گویا دو با و همراهی و دولت خود را برای حمایت از او و سرنگونی نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزولا بسیج کرده است. این موضوعی روشن و واضح است اما حیطه و دامنه حمایت ترامپ دیپلماتیک بود و جریان کودتا در اواخر آوریل حرکت افراطی و تا اندازدای خروج از این دامنه بود. خورخه اریزا، وزیر خارجه ونزولا بعد از شکست کودتا در مصاحبه با خبرگزاری رویترز گفت که تلاش برای این کودتا از سوی ارتش نبود بلکه مستقیماً در واشنگتن و در پنتاگون و وزارت خارجه و توسط جان بولتون طراحی شده بود. درخواست‌های بولتون از ژنرال ولادیمیر پاردینو، وزیر دفاع ونزولا برای مشارکت در سرنگونی دولت قانونی ونزولا حکایت از نقش مستقیم بولتون در این کودتا داشت؛ نکته‌ای که پادرنیو آن

را در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز تأیید کرده است.

در آن روزگار راه فراری از جنگ محسوب می‌شد و بولتون قبل از اتمام درش در دانشگاه، در گارد ملی ثبت نام کرد و بعد هم چهار سال در این گارد خدمت کرد تا به هر صورت که شده به جنگ نرود، بنابراین بولتون را می‌توان جنگ‌طلبی دانست که جنگ را به قیمت جان دیگر امریکایی‌ها می‌خواهد و حتی با وجود انتقادهای بسیاری که از جنگ‌های امریکا در افغانستان و عراق می‌شود، هنوز هم از آن جنگ‌ها دفاع می‌کند.

جنگ طلب

جک استرو، وزیر خارجه پیشین بریتانیا در خاطرات خود به یاد می‌آورد که چگونه بولتون جورج بوش را متقاعد کرده بود تا ایران را در سخنرانی خود به عنوان محور شرارت یاد کند و به همین دلیل هم در جریان مذاکرات اروپا با امریکا از دولت بوش خواسته بود تا بولتون را به آن مذاکرات راه ندهد. عضویت در انجمن ملی سلاح (NRA) طرحی برای قرن امریکایی جدید (PNAC) و بنیاد یهودی امور امنیت ملی (JINSA) و سابقه تندرویی‌های او در پرونده‌هایی مثل عراق، لیبی و کره‌شمالی از جمله ویژگی‌هایی است که بولتون را یک افراطی دست راستی تمام عیار می‌کند و شاید به همین جهت هم بود که ترامپ در اوایل کارش چندان رغبتی برای به کار گرفتن او نداشت. هر چند در زمان کارزار انتخابات ریاست جمهوری قبل گفته می‌شد که بولتون گزینه ترامپ برای وزارت خارجه است اما بعد از پیروزی ترامپ معلوم شد که گزینه او کس دیگری است؛ ر کس تیلرسون. در واقع ترامپ بعد از یک سال و چهار ماه از ورودش به کاخ سفید بود که مقامی به بولتون داد آن هم نه وزارت خارجه بلکه مشاور امنیت ملی و این موضوع هم نشان می‌دهد که با وجود گمانه‌زنی‌های زمان کارزار انتخاباتی، ترامپ بعد از انتخابات نسبت به حضور بولتون در تیمش تردیدهایی داشت. به هر حال، بولتون بعد از مدتی نه چندان کوتاه به عنوان مشاور امنیت ملی به و جای ژنرال مک‌مستر به این تیم پیوست و خیلی زود گرفتاری‌های او برای ترامپ معلوم شد.

کره‌شمالی و ونزولا

بولتون همواره از مخالفان مذاکره با کره‌شمالی بود و راه‌حل در برابر این کشور را تنها گزینه نظامی می‌دانست و به صراحت از بمباران مراکز

فرم اشتراک روزنامه جوان

- ۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۷-۰۵۹۵۲۳۰۱۰ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.**
- ۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.**
- ۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.**
- ۴. لطفاً کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.**
- ۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.**

نام: _____ نام و نام خانوادگی: _____ تلفن تماس: _____ نام شرکت یا موسسه: _____ کدپستی الزامی است: _____ نشانی: _____

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۴۱۲/۵۰۰	۸۲۵/۰۰۰	۱/۲۳۷/۵۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰

توضیح: اپنار گران (خانواده معظم شهید، جانبازان عزیز و آزادگان سرفراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان شهید مطهری، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ ۸۸۳۴۱۶۵۰ نامبر: ۰۲۱

مناقصه عمومی دو مرحله ای (نوبت اول)

موضوع : خرید ۱۱۰ کیلومتر انواع کابل فشار ضعیف خود نگهدار شش سیمه

مدت تحویل اقلام موضوع مناقصه : شش ماه

دستگاه مناقصه گزار : شرکت توزیع نیروی برق تبریز

مهلت فروش اسناد : از تاریخ ۹۸/۰۲/۲۹ لغایت ۹۸/۰۳/۰۸

مبلغ تفصین شرکت برای کل موضوع مناقصه : ۱۹۷۵۰۰۰۰۰ ریال می باشد که در صورت شرکت برای هر ردیف جرح اسناد مناقصه می باشد.

محل فروش اسناد :

تبریز: کوی ولیعصر ، خیابان برزیل، ساختمان شهید عباسپور ، بلوک ۲ تیم طبقه دوم واحد ۲۰۷ آقای بهرامی

تبریز: کوی ولیعصر ، خیابان نظامی، اول قطران ، ساختمان ستادی شرکت توزیع نیروی برق تبریز. طبقه چهارم ، دفتر امور تدارکات

مبلغ فروش اسناد :

مبلغ فروش اسناد سیصد هزار ریال قابل واریز به شماره حساب ۱۳۰۴۸۱۰۴۰۳۱۱ بنام شرکت توزیع نیروی برق تبریز نزد بانک سرمایه شعبه تبریز واقع در کوی ولیعصر – فلکه بارنج

تحویل اسناد با ارائه مستندات واریز وجه و با ارائه معرفی‌نامه کتبی خواهد بود.

مهلت و محل تحویل پیشنهادات :

شناسه آگهی ۴۶۹۷۸۹

عادل کافظمی ، رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل